

خیلواکی



استقلال

www.esteqaal.net

شنبه ۰۵ فبروری ۲۰۲۲

ناتور رحمانی

(مُرْبَا)

بخشی از نمایشنامه :

وقت : روزهای نام نهاد انتخابات برای پارلمان .

جای : یکی از سالون های هوتل پنج ستاره (سرینا)

آدمها :

۱ – ملا آخوند ملگری .

۲ – برادر رفیق .

۳ – رفیق برادر .

۴ – ملگری رفیق ملا (حضور ندارد)

بیان صحنه :

قسمت اول

حوالی ساعت هشت شب سه چهرهء دهشت افگن ، جنایتکار و خاین به مردم و وطن در هوتل نوبناً یافته (سرینا) گردهم آمده از گذشته های جنایتبار شان حرف میزنند و

جنرال – هه ملا صاحب چی خوش لم دادی . نباشه بعد ایقدر تپ و تلاش ، بگیر و نمان دب کدن

ده همیتور کوچ های آرام چرم خالص ، ده همتور یک سالون گرم ونرم هوتل پنج ستاره مزه میتنه ،

همیتور نیس ؟

ملا - اوه برادر ما ده چی حال هستیم و تو از چی گپ میزنی .

جنرال - چرا ؟

ملا - جنرال صاحب مثلیکه از گپ های نو خبر نداری ، میفامی مه چی حال دارم ؟ خو از چشم پریده ، راه ای گلونم بسته شده ، هیچ چیزه خورده نمی تانم ، ای هوتل کتی هر پنج ستاره یش دور سرم میچرخه .

جنرال - منه نباشه ملا صاحب نی که خوده ناجور کدی ، زور آور خیراس اگه نان از دولت اس ، شکم خو از توس ، اونه ازبس هپت هشت رقم نان شور و شرینه ، یکی پشت دگه زده رپتی خوده خراب کدی .

ملا - نی از او خاطر نیس .

جنرال - از خاطر کرای هوتل سودایی شدی ، شوی یکهزار وام یکهزار دالر امریکایی ، او خدا تره خیر بته چی سودا میزنی از جیب تو خو نمیره ، پوله خو (گل آغای قره قل) میته ، از کیسهء خلیبه می بخشه پامیدی دگه چی.

ملا - قارنشی جنرال صاحب راستی که کله خام هستی ، گل آغای قره قل نی ، دماغ مته فکر میته .

جنرال - کی خام کلس ، ما ؟

ملا - ما نی ، تنها تو ، مره ای چرت برده که بعد از ی چتور خات شد ، یک عالم رسوایی و بدبختی ، مه میگم ده قار و غضب خدا شوه ای (کاوبای بچه قصر سفید) که ماره بنام طالب های میانه رو ، معتدل ، دموکرات و چی و چی با نقشه ای آشتی و مصالحه ، ده صد بلا گرفتار کد ، بگو جنرال صاحب تو تاحالی ، کدام طالب صاحب میانه رو یا معتدله دیدی ؟

جنرال - نی بابا خاک ده سرش ، مثلکه ده جوال کاه سوزن بیالی .

ملا - درست گفتی ، میگم اگه مصالحه و آشتی نشه ، بخدا بوی گند ما هفت آسمانه خات گرفت ، هی هی چی روزگاری بود ، شش دانگ اوغانستان بود و ما تنها ، از چلی تا ملا و مولوی صاحب ها هر کدام خر خوده میدواند ، چپه و راسته میکدیم کسی جرأت نداشت چشم خوده بالا کنه ، صد قانون و شاخه ده دین و مذهب ساختیم که نه خدا گفته و نه رسولش ، اسلام و دینه دستاویز ساخته بخدا پیشکه نال کدیم ، دوران ما دوران سپل شستن بود ، هیچ چیز حرکت نداشت عین مورچه ، او چیز های نمایشی ره کفر گفته زیر خروارها خاک کدیم ، یا به دوران حجر روان کدیم ، میفامی اینمی فرهنگ ، تعلیم ، هنر ، آزادی و آزادی بیان و غیره ره میگم ، اگه شما موزیم و آرشیف ملی

و چیز های عتیقه ره چور کدین ، و به نرخ گاه ای ماش فروختین ، ما به امر دوستای پاکستانی خود و (امیر یک چشم) صاحب باقی ماند ره بسته نابود کدیم ، یک نمونه از فرهنگ و هنره نمادیم . چند هزارساله افتخارات ای کشوره به توپ پراندیم ، از رسامی های (بهزاد) ده هرات گرفته تا بت های بامیانه . رادیو ، سینما ، تیاتر و موسیقی ره اعدام و حلق آویز کدیم ، اونه خو دیدی و شنیدی ، تا کسی صدای خوده از بینی بالا می کد از تیغ می کشیدمش ، یا سنگسارش می کدیم مخصوصاً زنه ، زن خوبس بری همو حرمسرای ، خانه و پسخانه ، آگه نی روزگارتیه سیاه میکنه ، نماینده شیطان اس ، ده او دوران از ترس دستگاه استخباراتی ما (آمر معروف ننی کبیر) مردم همتو نام برش مانده بودن ، نیم اعضایش پنجابی بود ، خو میگفتن کسی از ترس خوده شور داده نمی تانست ، مگرحالی

جنرال – هان همه چیز یادم اس ملا صاحب مثل روزی روشن ، او وخت خو مثل گرگ گشنه ده جان مردم ابتاده بودین ، چرت نزن حالی هم همو خرک اس و همو درک ، منه نباشه ضعیف شدی ؟

ملا – نام مه ضعیف اس خودم ... والله از تو چی پت کنم گاهی از ترس بند دلم جدا میشه ، آگه زیر نخشه نمیامدیم حالی مثل دگه جانی ها و خاین ها به مال و جان مردم ، ده کدام گوشه گک دنیا پناهنده شده ، ای پشم و ریشه چت و پت کده ، عیش موطلایی های چشم دریایی ره می کدیم ده کدام بیچ . جنرال – بیچ چیس ملا صاحب ؟

ملا – کنار بحر یا دریا .

جنرال – ای ملای شیطان منه نباشه گپه خوب میپامی . ای چشم دریایی موی طلایی ره ده کجا دیدی . باز ای کار حرام اس . گناه داره .

ملا – او برادر ساده مه که میگم کله خام هستی بگو خو ، مه یک وخت سفیر اوغانستان ده ملک هندو مسلمان بودم . چند دغه از خیرات سر چوکی امریکا ، کجا و کجا رفتم ، هم دیدیم و هم ... جنرال صاحب حلال و حرام ده سیاست اس نه ده خباثت ، باز گر ضرورت بود روا باشه .

جنرال – نباشه هم سیاست کدی هم خباثت ، هم سپارت کدی هم عیاشت ، بسیار هوشیار و پامیده هستی ملا صاحب .

ملا – چی فامیده . کل کارهای سفارته دگه ها میکد ، مه فقط امضاً میکدم و بس ، خو هرچی بود تیر شد ، حالی بیا و پوره کو که مجبور هستم ، کتی تو واری آدمها ، کتی ع و غ سازش کنم .

جنرال - میگم تره ملا صاحب شکم سیری لگد کده ، راس گپ خو ایس اگه گدویدشن نمی کدین ، و یاره نمی ترساندین کتی او (دل نا دل و زایش) تان (بخوان بن لادین و داعش) کی قتی شما واری آدمها سازش می کد ؟ نباشه ما کی حاضر می شدیم ، که قتی شما ده یک اوخور بسته شویم ، باز ع و غینه ای (کاوبای بچه) میگه اول مالش کو ، باز سازش کو ، می پامی قصرسپید از حرص زیاد چند خربوزه ره ده یک دست گریپته ، میشه خو نمیشه ، اونه ناچار ماره مثل گوشت شتر و گاو میش و گاو و گوساله ، ده یک دیگ سیاسی می جوشانه ، تا نرم و آرام شویم ، تا خودش و شریکش (انگریز گوره) نباشه دل بی غم تیله ازو طرپ دریای آمو بیره ، و باید هیچ بچه امریکایی و انگلیسی ده خاک اوغانستان کشته نشه ، اگه نی قماره می بازه و ده انتخابات دگه اگه صد چل و ول هام کنه ، والله که اگه ده شوروای قصر سپید نان خوده تر کنه ، آخ قصرسپید گپتم دهانم پر او شد ، چی قصری یکی دو دپه اونجه رپتیم ، بخدا اگه ده استمبول باشه ، ثمرقند و بخارا ره صدقیش کو ، گلرخ همونجه ، ماهرخ همونجه ، شاهرخ همونجه ... ده وخت بیل کلنگ تون صاحب بود (بخوان بل کلیتون) .

ملا - خی آرمان بدلت نماندی .

جنرال - نباشه کل آرمان های خوده کشیدیم ، گپ پیش خود ما باشه ملا صاحب پامیدی ؟ وختی ده اوغانستان گدویدشن شد ، و انپلاقات رپیق ها روی کار آمد ملکه خربوزه گریپت ، هرکی زور داشت هرکی یگان توپنگ بدست آورد قومندان شد و درو کد ، مه ده او وخت ده مزار شریپ ، ده شرکت تپوسات یک ولدنگکار بودم ، مگم از تو چی پت بسیار دلدار و تیز ، قتی خود گپتم آکه شور بخو که وختش اس ، اونمو بود که چند تا لندهور و بیکاره ، چارتهکه لمبر بدل و دزد سرگردنه ره جمع کدم ، و شروع به چور و غارت کدم ، از تو چی پت کنم دروغ نیس ، به ریش مبارک سیاپ صاحب بخوان (سیاف) قسم مرغه ده هوا زین کدم ، نه غم پنج بود نه غم شش فقط چکه پاو بود و چکه چوری ، او بیادر تره چی بگم ، رپیق بگم ، طالب بگم ، مولوی بگم چی بگم ؟ ده ای کار دست بیادرت ایقه رو شد که نگو ، وختی رپیق ها از دل و جان چاکری کدن ، ولشکر و توپ و تانک . طیاره روس ها ده ملک آمدن ، بیل کلنگ تون صاحب ترسید ، همو بود که بری چند زیر دارگریخته گی دگه مثل مه واری ، ده پشاور خیلی سلاح و پول داد ، تا قتی روس ها و دولت کابل جنگ کنه لاتری شان بر کد ، البته مولوی بیادر امریکا ده ای کار تنها نبود ، انگریز ، ازرائیل ، عربستان ، ایران ، پاکستان خلاصه عرب و عجم ، کافر و مسلمان دسته یکی کدن ، روزگار رپیق ها خراب شده میرپت ، اونمو بود که مره قومندان ملیشه ساختن . سلاح دادن پول دادن ، اختیار دادن تا جان

و مال و بادار های شان ، روس ها ره پناه كده بریم ، منه نباشه یاد داکتر صاحب بخیر که جوانمرگ شد .

ملا - مه نفامیدم جنرال صاحب ، گفتی ازرائیلام کتی شان بود ؟ باز تنها شما خو ای کاره نمی کدین ، یعنی تنها شما خو قومندان نبودین ، بودین ؟

جنرال - ازرائیل ، مخصد مه همو یهودهاس ، نی بابا از پلتن کده باجه خانه یی زیاد شد ، ده سراسر اوغانستان هزارها قومندان ، ده سر راه و نیم راه چند یخن پارهء آدمخوره پیدا کد ، به امر خود پاتک جور کد و ده چور و عیاشی غرق شد ، کلش اینه خود ما واری بود ، اوره چی میکنی که از عسکر پیاده کده ، جنرال زیاد شد عین یک لشکر جنرال ، دروغ خو نیس به مجددی صاحب مسکه بُر قسم .

ملا - خوب طالع کدی اونه توهم جنرال شدی .

جنرال - طالع چی دوشش زدم ، تیز بودم زود پامیدم که دنیا ده دست کیس ، رخ توپنگه دور دادم وختی روس ها جنگه شروع کد ، حالی دگه مه یک پرقه نپر دارم ، گمشکو ملا صاحب چی سیلی بود ، همی نپر های مه که پاچاره بالا میکد روس غار می پالید ، وای ازو وختی که باز کلوش خوده کشیده ، طرپ شان میدوید دگه روس نر میبود و استاده میشد ، منه نباشه ملا صاحب پامیدی ، وختی نپر های مه ده جای داخل میشد ، تا گلمشه جمع نمی کد نمی ماند ، ماره دور از دلت گلم جمع میگوپتن ، مال ، جان و ناموس مردم نجات نداشت .

هه نباشه چی عیش های کدیم ، باز اونمو بود که بیل کلنگ تون صاحب ، دگه نخشه کشید که بیادر بزرگ ما جنت ها نصیبش ضیأالحق جان صاحب ، و خواهرک ما خدا کتیش خوبی کنه ، ده جمله حورهای بهشتی باشه ، بینظیر جان قتی دوست های دگه ، حمیدگل خان ریس استخبارات پشاور، و نصیرالله خان بابر کلان داخله اونجه ای نخشه ره اجرا کدن .

ملا - یعنی چی ؟

جنرال - نمی پامی چی میگم ده گوشت یاسین خنده راهی استم ، خو چی دگه یعنی انپلاق ربیق ها منپلق شد ، و روس ها تیخ شدن ، وختی بیادر ها قتی لاولشکر پنجابی ، و اوغان ده موترهای پژروی شیشه سیاه ، به کومک ربیق ها مثل بچه برگد عظیمو ، کاودانی صاحب ، وکیل و رزمجو صاحب اوغانستانه پتخ کدن ، خدا نشانت نته بادار جان می بودی و می دیدی ... هرچه ضیأالحق جان بعد نواز شریپ جان ، بیل کلنگ تون جان ، بینظیر جان ، بابر صاحب و حمیدگل خان گپته گپته دهانشان قپ کد ، مگم ای هپت هشت درنده ده مابین خود جور نامدن . سر تقسیم و تخت

پاچائی ، اوغانستانه برت چلنی چلنی کدن ، که حالی قتی پیل سوراخ هایش پت نمیشه نه آدم گپنتی ماند نه دار و درخت ، دروغ خو نیس به بد ماشی های حکمتیار صاحب قسم .

ملا - تو هم خو دست کم از اونها نداشتی ، ده ای کشتار ها و ویرانی ها چیز میزی صاحب شدی یا نی ؟ یا همتور قومندان ماندی .

جنرال - چی میگی ملا صاحب ، دو بلست ریش ماندی که عین از شیشه ی گیس تیر میشه ، مگم یک نخود عقل نداری ، مام قتی نپر های خود نباشه ، چار طرپ اوغانستانه ریگ شوی کدم ، و گلوله بارانش ساختم ، بخدا ده هر دیوال و درخت قتی صد مرمی زدم ، توپنگ مپت ، مرمی مپت ، آدم مپت نمی زدم ؟ مگم یک دو لک و کته گیرم نامد ، چیزی که لال و زمرد و دگه سنگ های قیمتی بود ، همه ره ده وخت (پروپیسل ربانی) صاحب ده قاطر ها بار کده بردن و او کدن ، ده قسمت های زیر پرمان مه ، ده شبرغان غیر تیل و گاز چیزی دگه نبود . زور آور نباشه مه خو تیل و گاز ه کشیده نمی تانستم ، که او کنم بی ازو روس های بی پدر که گم میشدن کل چاه هاره کور کدن ، که کسی یاپته نتانه ، مگم وختی مجددی صاحب خییست ، و ربانی صاحب ششت ، مه زیاد پیشرپت کدم ، گاهی پرکه مشر شدم گاهی والی ، گاهی مجاهد کبیر شدم و گاهی جنرال ، عین حاجی خالد بن ولید شدم ، دروغ خو نیس به لولیدن های ماشکی خلیلی صاحب قسم .

ملا - خو تو هم همتور بودی پله بین ، نبودی ؟

جنرال - بودم میگن از دایی چی ... پناهی ، گاهی قتی هزاره می شدم پشتونه می گوپتم . گاهی قتی پشتون تاجکه گاهی قتی تاجک هزاره ره . گاهی هم که زور آمد گریختم ازبکستان ، تاجکستان ، ترکمنسان عین تا ترکیه رپتم بس پامیدی که اس ، اگه همتو نمی کدم نمی شد ، میشد ؟ اونه تا نوبت شما رسید طالب های کرام !؟

ملا - بس دگه دوران خوده می فامم که چی کدی .

جنرال - چی کدیم نباشه بگو .

ملا - دشت لیلی ره از مرده پر کدی ، تمام اسیر ها ره از تیغ کشیدی و

جنرال - ملا صاحب میگن هر چی بکاری هموره درو میکنی ، ده جنگ خونان و حلوا بخش نمیشه ، شما هم قریه قریه آدم کشتین ، دروغ نیس به همو یک چشم سرمه پر ملا عمر صاحب قسم .

ملا - بس بس دگه بسیار مرداری ره بالا نکو ... مگم ایره بگو که حالی چی کنیم ؟

جنرال - چی ره چی کنیم ؟ اونه خو خوده زده زده ده پارلمان رساندیم . اگه باز طالع ما بر کد و ده شورا وکیل شدیم باز تو خر دوانی ها ره ده اونجه سیل کو .

ملا - مردم ما و تره به محکمه میکشانه ، تو از خر دوانی ده شورا گپ میزنی .

جنرال - ایره کی گپته ؟

ملا - یک زن که میگم خدا ایره از زیر چادر بی بی بی نصیب بسازه ، صد بار گفتم فریاد زدم که به ای عاجزه ها ، به ای سیاه سر ها ، به ای ناقص العقل ها دل نسوزانین ، وخت نتین که روز گار ماره سیاه میکنن ، کس نشنید ، گفتم که مثل دوران ما ده خانه گور شان کنین ، مگم ای کاوبای بچه و حکومت های مزدورش ، اکت دموکراسی ره کدن ، و ای شیطان ها ره راه داد ، اینالی او بیار و حوضه پر کو .

جنرال - نباشه راه داده باشن چی ؟ ده یک گل خو بهار نمیشه، میشه ؟ نباشه کلش گپ اس . گپ مپت ، باز ایتو ملته درپچال ساخیم که نپرس ، همه شان گرپتار روزگار شدن ، نیمشه سرگردان نان پیدا کدن ساختیم ، نصیبه معتاد تریاکی و چرسی و بنگی ، بسیارشه ماتم زده انتحاری و انفجاری ، دکایشام خو استن ، دروغ خو نیس به فیشن های فلمی عبدالله جان قسم .

اونه چندتا روشنیپر و طندوست ، هرچه فریاد می زنند که بخیزین ، بیدار شوین ، قیام کنین ... پایده نداره ، بادار های ما به کومک ما حلال زاده های بچه شفو ، ایتور تپرقه اندازی و استخوان شکنی ره ، به نام قوم و زبان و سمت ، قبیله و قریه ده راه انداخته که نپرس ، اونه به خودت خو مالوم اس ملا صاحب ، ایتور ده سر و کله یکی دگه می زنن ، و دلنگان استن که نگو ، عین روشنیپر شان ، کی وخت دارن ، کی بیدار استن که باز ما و تره مثل داکترصاحب ده کدام چهارراهی آویزان کنن .

ملا - او داکترته خو مردم آویزان نکد ، ما کدیم ، آه گفتی گپ مفت ، کدام گپ مفت ؟

جنرال - اینمی آزادی زن ، دموکراسی ، آزادی بیان ، مطبوعات آزاد ، کرامت انسانی جامعه ای مدنی و مچم چی بلا های دگه ره میگم

ادامه دارد...